

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۱۵ سپتمبر ۲۰۲۳



یونس نگاه

آنانی که پول و تفنگ به طالبان ضد تعلیم و کتابچه به کودکان می دهند

در کشور فقیر، جنگزده، فاقد زیربنا، گرفتار جغرافیای خشن و دور از دریا و راههای ترانزیتی چون افغانستان، تعلیم و تحصیل بسیار سرنوشت‌ساز است. برای هیچ یکی از معضلات پرشماری که جامعه به آن‌ها گرفتار است، نمی‌توان بدون افزایش سطح سواد، ترویج تحقیق و جست‌وجو، و آموزش مهارت‌های شغلی، راه حل پایداری یافت. متأسفانه ستیز با این مهم‌ترین نیاز جامعه ما، در چهل سال گذشته نه تنها کم نشده بلکه ابعاد پیچیده‌تر یافته است. در این جنگ طولانی، تعلیم همیشه یکی از میدان‌های اصلی بوده و مکتب‌سوزی و معلم‌کشی هرگز متوقف نشده است. در داور است که روابط سیاسی با دولت‌های پیشرفته، ما را در پیروزی علیه این عقب‌ماندگی یاری نرسانده است، بلکه همکاری آن دولت‌ها با نیروهای ارتجاعی به عامل مهم بازدارنده در برابر تلاش ملی ما برای نجات بدل شده است. پول و حمایت‌های سیاسی، استخباراتی و تسلیحاتی را که بازیگران خارجی در اختیار نیروهای ضد ترقی و تعلیم قرار داده‌اند، بارها منجر به تخریب دستاوردهای تعلیمی و تحصیلی مردم ما شده است، و هر باری که بخشی از ملت ما توانسته چند گامی به جلو بردارد، طوفان تازه‌ای از تهاجم حاصل کارشان را به باد داده است. تسلیمی کشور ما به طالبان تازه‌ترین نمونه آن است که متأسفانه در قصر سفید، از سوی رهبران ملتی که به ترقی‌های علمی شهره عالم است، چون دستاورد سیاسی تبلیغ می‌شود.

طالبان در دو سال حاکمیت، تعلیم‌دائی را به دردناکترین وجه ممکن اجراء کرده‌اند. آنان علیه تعلیم و تحصیل عصری تبلیغ می‌کنند، مکاتب را می‌بندند، دسترسی تحصیل‌کردگان را به فرصت‌های شغلی محدود می‌سازند و نصاب را دستکاری می‌کنند تا شوق تعلیم و امید به پیشرفت از طریق آموزش در ذهن کودکان نابود شود. در عوض آنان مدرسه‌سازی را حمایت می‌کنند و زمینه جذب کودکان را به آن مراکز بدآموزی فراهم می‌سازند تا در آینده جوانان

بسیاری فاقد توانائی کار، اما پر از تکبر دانائی بار آیند و در کشیدن جامعه بهسوی گرسنگی و جهالت طالبان را یاری رسانند.

طالبان دختران را از عرصهٔ تعلیم و تحصیل حذف کرده‌اند و آنچه تعدادی از کودکان دختر تا صنف شش می‌آموزند، جز مقداری سواد خواندن و حسرت بسیاری برای آموزش، حاصلی بر جای نمی‌گذارد. برای پسران اگرچه دستور منع تعلیم و تحصیل صادر نشده است، اما محیط آموزشی بشدت تخریب گردیده و انگیزه و امید از آنان گرفته شده است. مراکز خصوصی با رکود مواجه شده، فقر و تنگدستی کودکان بسیاری را مجبور به ترک تعلیم کرده، و معلمان اکنون بیشتر از گذشته تحت فشار روانی و اقتصادی هستند. در نتیجه، مراکز به ظاهر فعال تعلیمی و تحصیلی نیز بازدهی ندارند. قافلهٔ آموزش رسماً متوقف شده است.

برای نجات از این وضعیت، تدابیر فردی و انجوائی متفرقه جریان دارد. کسانی کشور را ترک می‌گویند تا فرزندان‌شان در گوشهٔ دیگر جهان آموزش ببینند، عده‌ای مکاتب آنلاین راه می‌اندازند تا به گروهی از کودکان وطن یاری رسانند، و برخی نهادها و کشورها قلم، کتابچه و پول به مکاتب ارسال می‌کنند تا حمایت خود را از تعلیم نشان دهند. اما این حمایت‌ها به آبپاشی زمینی می‌ماند که به‌دلیل بسته‌شدن نهر آب، در حال خشک شدن است. نه توزیع کتابچه، نه کمک‌معاش به معلمان، نه تعمیرسازی و نه چاپ کتاب می‌تواند تهاجمی را که بر تعلیم و تحصیل جریان دارد، جبران کند. آنانی که پول و تفنگ به طالبان و کتابچه به کودکان ما می‌دهند، در بستن مکاتب و ترویج تاریکی در افغانستان سهیمند. برخی از هموطنان چشم به‌راه فرمان تازهٔ امیر طالبان و بازشدن مکاتب دختران مانده‌اند. حتا بازشدن مکاتب دختران هم نمی‌تواند حرکت قهقرائی کنونی جامعه را کند سازد. هر گونه تردید به نیت طالبان در دشمنی با تعلیم، و امید به امکان بازشدن درجه‌های دانش در امارت آن گروه خطاست و نجات ملت را به تأخیر می‌اندازد.